

دکتر ابراهیم برزگر\*

## نگاهی به سرفصلهای درسی رشته علوم سیاسی

### چکیده

علم یا علوم سیاسی از کهنترین رشته‌های دانشگاهی در ایران است. از آغاز شکل‌گیری مدرسه علوم سیاسی تا ادغام آن در دانشکده و سپس تحول آموزشی بعد از انقلاب در ایران، دوره‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. در این مقاله سیر کلی تحول دروس برنامه‌های آموزشی و نیز وضعیت سرفصلهای درسی بر اساس معیارهای گوناگونی بررسی شده است. علم یا علوم سیاسی، روزآمد بودن، سیر منطقی سلولهای برنامه، مکمل‌سازی یکدیگر، همپوشی نداشتن، تناسب تعداد واحدها و حجم، پوشش میان رشته‌ای، جهت‌گیری بومی و کاربردی مباحث و تأکید بر بُعد تئوریک، معیارهای این بررسی است. به مناسبت هر مبحث پیشنهادهایی ارائه شده است.

### مقدمه

سرفصلهای درسی (syllabus) در هماهنگی دوره‌های آموزشی مشابه در مراکز دانشگاهی، انتقال محتوا و اهداف، جهت‌گیریهای درسی به دانشجویان در جلسات آموزشی و نیز در تألیف کتاب درسی نقشی اساسی دارد. این سرفصلها حکم قانون اساسی برای سازمانهایی همچون سازمان سمت دارد؛ زیرا تدوین کتب درسی بر مبنای آنها صورت می‌گیرد. دیگر هرگونه کاستی و ضعف آن به نوعی به آموزش عالی کشور منتقل می‌شود. واژه سرفصل درسی در نظامهای متمرکز و غیرمتمرکز با دو معنای متفاوت به کار می‌رود:

الف) در نظامهای متمرکز آموزش نظیر ایران تا قبل از ابلاغ مصوبه جدید<sup>(۱)</sup> وزارت متبوع، سرفصل نشانگر بخشی از برنامه درسی متمرکز است. در این نظامها سرفصل برای ایجاد هماهنگی در اجرای برنامه‌های آموزشی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی به کار می‌رود. هدف از تهیه سرفصلهای درسی، هماهنگ کردن دوره‌های دانشگاهی مشابه در همه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی است. (فردانش، سخن سمت، ش ۵، ص ۴۶) چنانچه در مقدمه سرفصلهای درسی یرتبعیت از ضوابط و مصوبات شورای برنامه‌ریزی و منسوخ اعلام کردن سایر برنامه‌ها تأکید شده است.<sup>(۲)</sup>

\* استادیار و مسئول گروه علوم سیاسی در سازمان مطالعه و تدوین (سمت)

ب) در نظام‌های غیر متمرکز دانشگاهی، سرفصل درسی علاوه بر یک منبع اطلاعاتی دربارۀ دوره هر درس خاص، ابزار مهمی برای انتقال نیت و تقویت نقشها و راهبردهای مورد استفاده استاد است. بنابراین در ارتقای سطح ارتباط بین استاد و دانشجو مؤثر است. (فردانش، سخن سمت، ش ۵، ص ۴۶ و ۴۷) زین سبب بشدت پویاست و حتی بعضاً بر اساس سؤلهای دانشجویان و نیازهای فکری آنان در هر ترم تحصیلی تدوین می‌شود.

### پیشینه برنامه‌ها و سرفصلهای درسی علوم سیاسی

مدرسه علوم سیاسی در ایران در ۱۵ شعبان سال ۱۳۱۷ ق. برابر با ۱۸ آذر ۱۲۷۸ ش. گشایش یافت. در سال ۱۳۳۸ ق. برابر با ۱۲۹۸ ش. مدرسه حقوق نیز افتتاح شد.<sup>(۳)</sup> مدرسه‌های مذکور در سال ۱۳۱۳ در دانشکده حقوق و علم سیاسی دانشگاه تهران ادغام شد.<sup>(۴)</sup> در سالهای ۳۹ - ۱۳۴۰ دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) آغاز به کار کرد. (از غندی، ص ۲۴) بدین ترتیب آموزش علم سیاست به‌طور خاص از انحصار دانشگاه تهران بیرون آمد. (از غندی، ص ۶۶) در ایران تا تشکیل مدرسه عالی علوم سیاسی در تهران در آذر ۱۲۷۸ برای دانشی که به نام علم سیاست شهرت یافته، عنوان حکمت عملی به کار برده می‌شد. فقط پس از تأسیس مدرسه عالی علوم سیاسی است که بتدریج اصطلاح علوم سیاسی جایگزین اصطلاحات حکمت عملی و سیاست مدن - یکی از اجزاء حکمت عملی است - می‌شود.<sup>(۵)</sup> از آنجاکه در این مقاله تأکید ما بر دروس و سرفصلهای درسی است به برخی از برنامه‌های دروس عمومی و تخصصی که در مدرسه علوم سیاسی تدریس می‌شد، اشاره می‌شود: منطق، اصول، فقه، حقوق مدنی، علم ثروت، تاریخ سیاسی و حقوق اساسی، علم مالیه، حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق تجارت، حقوق اساسی ایران، حقوق بین‌الملل خصوصی، فارسی، عربی، فرانسه، جغرافیا، تاریخ اروپا، اصول دفترداری، سیاست خارجی، تاریخ معاهدات ایران با دول خارجی، تشکیلات معارفی ایران، جغرافیای اقتصادی ایران. (از غندی، ص ۱۹) پس از تأسیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی در برنامه آموزشی آن واحدهای درسی به دروس عمومی، بنیادی، مهاد و کهاد و آزاد تقسیم شد. دروس عمومی شامل زبان فارسی، آیین نگارش، زبان خارجه، ورزش، تاریخ فرهنگ ایران، مبانی علم اقتصاد، جامعه‌شناسی عمومی، روانشناسی اجتماعی و آمار می‌شد. هدف از این دروس توسعه اطلاعات عمومی دانشجویان بود. دروس بنیادی برای تقویت پایه علمی و تخصصی دانشجویان تنظیم شده بود. این دروس به میزان ۲۰ واحد عرضه می‌شد و برعهده گروه علوم سیاسی بود. دروس مهاد مجموعه دروس رشته اصلی تحصیلات دانشگاهی را تشکیل می‌داد. حداقل آن ۴۸ واحد و حداکثر آن ۶۰ واحد بود. کهاد

مجموعه درسهایی بود که رشته فرعی تحصیلات دانشگاهی دانشجویان علوم سیاسی را تشکیل می‌داد. حداقل آن ۲۴ واحد و حداکثر ۳۰ واحد بود. منظور از «دروس آزاد» مجموعه دروسی بود که دانشجویان علاوه بر دروس عمومی، بنیادی، مهاد و کهاد به توصیه گروه انتخاب می‌کرد تا ۱۴۰ واحد مقطع لیسانس خود را تکمیل کند. (ازغندی، ص ۳۸) در فاصله سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ یعنی شش سال اول فعالیت دانشکده، وضع قوانین مدنی، کیفری، ثبت اسناد و ثبت احوال و تصویب دهها قانون دیگر، موجب تحول در شیوه آموزشی دانشکده شد. از همین دوران است که بتدریج قانون مدنی ایران، قانون تجارت ایران، قانون جزای ایران و حقوق اداری ایران به عنوان مواد درسی جایگزین قوانین و حقوق کشورهای خارجی گردید (ازغندی، ص ۴۱) و در واقع جهشی کیفی در جهت بومی‌سازی صورت گرفت.

در مجموع از ۱۴۰ واحد دوره لیسانس، ۷۴ واحد دروس اصلی اجباری (بنیادی و مهاد) ۲۶ واحد دروس فرعی (کهاد) ۳۰ واحد دروس عمومی و ۱۰ واحد دروس آزاد (اختیاری) را تشکیل می‌داد. دروسی که تا سالهای پیش از انقلاب اسلامی تدریس می‌شد عبارت بودند از: مبانی علم اقتصاد، مبانی علم سیاست، مقدمه [مبانی] علم حقوق، جغرافیای سیاسی، حقوق اساسی (کلیات، ایران)، حقوق اداری، حقوق بین‌المللی عمومی، جغرافیای اقتصادی، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، دیپلماسی عمومی، اصول روابط بین‌الملل، روش تحقیق در علم سیاست، نهادها و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تاریخ دیپلماسی ایران، سیاست خارجی ایران، سازمان ملل متحد، ارتباط جمعی و افکار عمومی، متون سیاسی (انگلیسی)، تاریخ دموکراسی، مسائل سیاسی معاصر، اداره امور محلی، خلیج فارس و مسائل آن، نفت در ایران، جامعه‌شناسی سیاسی، سازمانهای منطقه‌ای، حقوق مدنی، حقوق اساسی تطبیقی، روانشناسی اجتماعی، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، نوسازی سیاسی، احزاب سیاسی و گروههای ذی‌نفوذ، مسائل نظامی و سوق‌الجیشی معاصر. (ازغندی، ص ۴۷ و راهنمای دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۵۳-۱۳۵۴، ص ۳۹۳-۴۰۱) بر اساس «راهنمای دانشگاه ملی ایران» در سالهای تحصیلی ۱۳۳۹-۱۳۴۰، ۱۳۴۳-۱۳۴۴ و ۱۳۵۵-۱۳۵۶ دروس اجباری و اختیاری که در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) تدریس شده است عبارت بودند از: فلسفه و علم سیاست، اصول علم اقتصاد، حکومت، سازمانهای دولتی، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، حکومتهای مقایسه‌ای، مالیه عمومی، اقتصاد بین‌الملل، تاریخ عقاید سیاسی معاصر و فلسفه سیاست، تاریخ تمدن، حقوق بین‌الملل عمومی، اقتصاد، مالیه، تئوریهای روابط بین‌الملل و حکومت، سازمانهای بین‌المللی، مسائل خلیج فارس، روابط بین‌الملل، تاریخ اروپا، علوم اداری و سازمانهای اداری ایران، حکومتهای بین‌الملل، تاریخ

دیپلماسی و تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی، روانشناسی، سیاست خارجی دول بزرگ، تاریخ روابط سیاسی ایران، متون سیاسی، اقتصاد بین‌الملل، منطق و متدولوژی، حقوق مدنی، مسائل اقتصادی کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) و سیاست و حکومت در امریکا. (ازغندی، ص ۱۳ و راهنمای دانشگاه ملی، ۱۳۳۹ - ۱۳۵۶، ص ۲۴۰ - ۲۴۲)

یکی از سؤالاتی که مرتبط با این ترکیب دروس است این است که عنوان این رشته «علم سیاست» یا «علوم سیاسی» است؟ همان‌سان که می‌دانید عنوان «علوم سیاسی» ترجمه *les sciences politiques* می‌باشد؛ البته در دوره متأخر "s" آن حذف شده است. بنابراین «علوم سیاسی» نام نادرستی بر این رشته است و صحیح‌تر آن علم‌سیاست است که ترجمه *political science* است. جالب آنکه در عناوین و سرفصلهای درسی رشته نیز هر دو عنوان علم سیاست و علوم سیاسی مشاهده می‌شود.<sup>(۶)</sup> منظور از علوم سیاسی قاعدتاً مجموعه دانشهای اقتصاد، جامعه‌شناسی، حقوق می‌باشد. همان‌سان که با ملاحظه مواد درسی دانشکده حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی در دانشگاه تهران در دهه ۱۳۴۰ این نکته عیان می‌شود - که البته خود اقتباسی از برنامه درسی دانشگاههای فرانسه بود.<sup>(۷)</sup> یکی از کسانی که در باب تسجیل هویت علم سیاست تلاش بسیار کرد، دیوید ایستون (David Easton) است. وی که از فقدان «ساختار تئوریک سیستماتیک» و نبود تئوریهای خاص در رشته علوم سیاست و وام‌گیری اکثر مفاهیم از دیگر دانشها در رنج بود، کوشید با ترویج روشهای علوم تجربی نظیر مشاهده، اندازه‌گیری موجبات تولد دانش مستقلی با عنوان علم سیاست را مهیا کند.<sup>(۸)</sup>

آنچه که در یک ارزیابی اجمالی از تحلیل محتوای برنامه‌ها و عناوین و محتوای آموزشی در گذشته می‌توان دریافت، این است که جهت‌گیری نظام آموزشی به سوی آشناسازی دانشجویان با مسائل سیاسی کشورهای خارجی و بیگانه بودن داخلی و بومی. دانشجو از چگونگی تأسیس ایالات متحده امریکا و حقوق و سازمانهای بین‌المللی شناخت نسبی خوبی داشت؛ اما از تاریخ سیاسی اجتماعی، نقش مذهب، نفت و حکومت نخبگان بر تحولات اجتماعی ایران، اطلاعات چندانی نداشت. دانشجو با اندیشه‌های افلاطون، ارسطو و مارکس آشنایی بیشتری داشت تا اندیشه‌های فارابی، غزالی و یا خواجه نظام‌الملک. مرحوم دکتر حمید عنایت بنیانگذار جریان بومی‌گرایی در رشته علوم سیاسی بود و خود به‌طور جدی برای تدریس دروس «تحولات سیاسی ایران» و «اندیشه‌ها و نهادها در اسلام» و یا تهیه متون آموزشی در این عرصه‌ها اهتمام فراوان ورزید. (ازغندی، ص ۸۱)

## تغییر و تحول سرفصلها و برنامه درسی بعد از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، کمیته برنامه‌ریزی علم‌سیاست نیز شکل گرفت. این کمیته فهرست دروس رشته علوم سیاسی را در پنج گروه به ترتیب ذیل طبقه‌بندی کرد: ۱. اسلامی ۲. ایرانی ۳. جهانی ۴. مکاتب و مبانی نظری ۵. کلیات علوم انسانی و اجتماعی.

این کمیته متشکل از اعضای جدیدی از دانشگاه‌های شهید بهشتی (۳ نفر) تهران (۳ نفر) و علامه طباطبایی (۱ نفر) بود که به فعالیت مشاوره‌ای برنامه‌ریزی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری پرداخت. (ازغندی، ص ۹۵-۹۶) در واقع برنامه و سرفصل دروس رشته علوم سیاسی حاضر با اندک تغییراتی، حاصل نخستین مصوبات کمیته علم‌سیاست ستاد انقلاب فرهنگی در سالهای اولیه انقلاب است. در این برنامه عناوین جدیدی جلب توجه می‌کند که ظاهراً بر کوشش در جهت اسلامی و بومی کردن رشته علم‌سیاست دلالت دارد. این تغییرات را در محورهای ذیل می‌توان جمع‌بندی کرد:

**الف) دروس عمومی** «ریشه‌های انقلاب اسلامی» و «تاریخ اسلام» با دستمایه‌ای از علوم سیاسی عرضه می‌شود. این دو عنوان می‌تواند برای دانشجویان این رشته حذف شود و یا دست‌کم در عرضه آن نوعی هماهنگی با گروه علم‌سیاست به عمل آید یا جنبه مکمل‌ساز با دروس مشابه داشته باشد.

**ب) دروسی که بعد از انقلاب به عنوان دروس اصلی و اجباری به دروس رشته علم‌سیاست اضافه شده است عبارتند از:** ۱. مبانی اندیشه سیاسی در اسلام (مستند به متون اسلامی)؛ ۲. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ۳. حقوق بین‌الملل اسلامی؛ ۴. نظام سیاسی و دولت در اسلام (۳ واحد)؛ ۵. اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران؛ ۶. جنبشهای اسلامی معاصر؛ ۷. انقلاب اسلامی ایران؛ ۸. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۳ واحد)؛ ۹. دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام؛ ۱۰. تئوریهای انقلاب؛ ۱۱. شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم (۴ واحد)؛ ۱۲. سیر قدرت در دریاها؛ ۱۳. تاریخ تحول دولت در اسلام.

**ج) در دروس اختیاری نیز عناوین ذیل جدید است:** ۱. اسلام و ایران؛ ۲. مطبوعات سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت به بعد؛ ۳. انقلابهای جهان (۴ واحد)؛ ۴. ارتش و سیاست؛ ۵. جمهوری اسلامی ایران و نهضت‌های رهایی‌بخش؛ ۶. اعراب و اسرائیل و مسأله فلسطین؛ ۷. جغرافیای سیاسی (تأکید بر جهان اسلام).

**د) برخی از واحدهای اجباری که به فهرست دروس اختیاری انتقال یافته است:** ۱. سازمانهای دولتی با عنوان اداره امور دولتی؛ ۲. حکومت‌های مقایسه‌ای با عنوان نظام‌های سیاسی تطبیقی؛ ۳.

سیاست و حکومت در امریکای شمالی؛ ۴. جغرافیای سیاسی با تأکید بر جهان اسلام؛ ۵. جغرافیای اقتصادی با افزودن کلمه ایران؛ ۶. اقتصاد بین‌الملل.

ه) دروسی که حذف شده‌اند: ۱. ارتباط جمعی و افکار عمومی؛ ۲. تاریخ دموکراسی؛ ۳. اداره امور محلی؛ ۴. احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ.

ز) در برخی موارد با حفظ عنوان درسی و با حفظ جایگاه آن در ردیف دروس اصلی و اجباری، تعداد واحدهای آنها نیز تغییر (معمولاً کاهش) یافته است.

### ۱. روزآمد کردن برنامه‌ها و سرفصلها

در مجموع متعاقب بازنگری دروس از سوی کمیته منصوب ستاد انقلاب فرهنگی اقداماتی مثبت در جهت روزآمد کردن دروس انجام شده است. این اقدامات تا حدی متأثر از جو انقلابی است و به دلیل سرعت عمل برنامه‌ریزیها، گاهی در انتخاب عناوین یا تعداد واحدها و ساختار کلی برنامه‌ها و سرفصلها ضعف کارشناسی مشهود است.

بعد از سالها انتظار در جهت روزآمد کردن این دروس بویژه با توجه به تحولات عمیق بین‌المللی و فروپاشی ابرقدرت اتحاد جماهیر شوروی تحولات بلوک شرق و اروپای شرقی در تابستان ۱۳۷۴، مصوبات جدیدی به دانشگاهها و مراکز علمی ارسال شد. در این مصوبه هیچگونه تجدید نظر اساسی در جهت روزآمد کردن عناوین منسوخ نظیر «سیاست و حکومت در اتحاد جماهیر شوروی» و یا رفع کاستیهایی که این برنامه در دو دهه اخیر داشته یا روزآمد کردن سرفصلهای هر درس صورت نگرفته است. بدین ترتیب با کاهش تعداد ۸ واحد از دروس اجباری و اصلی و ۳ واحد دروس عمومی از سوی کمیته خاص، تعداد واحدهای دروس رشته علوم سیاسی از ۱۴۶ به ۱۳۵ واحد تقلیل یافت.

۱. تاریخ روابط خارجی ایران از قاجاریه تا سال ۱۳۲۰ (۴ واحد) و سیر قدرت در دریاها (۲ واحد) از فهرست دروس اصلی و اجباری به دروس اختیاری انتقال یافت.

۲. تعداد واحد درس «خلیج فارس و مسائل آن» از ۳ واحد به ۲ واحد و درس «سازمانهای بین‌المللی» از ۳ واحد به ۲ واحد تقلیل یافت.<sup>(۹)</sup> بنابراین سرفصلهای دروس و محورهای آن تاکنون بدون تجدید نظر کارشناسی باقی مانده است. عناوین منسوخ و مرده بدون در نظر گرفتن موضوعات نو در آن مشهود است. تعداد واحدهای هر درس نیز که علی‌القاعده پس از یک دوره طولانی آزمون و خطا باید مجدداً بررسی می‌شد، کماکان بررسی مجدد نشده است. شایسته است عناوین درسی با حذف عناوین منسوخ و درج عناوین جدید مطابق با نیازهای روز اصلاح شود و

کاهش یا افزایش تعداد واحدهای هر درس و روزآمد کردن محتوای آن با سازماندهی جدید و نیز تغییرات ضروری در باب اختیاری یا اجباری بودن دروس در دستور کار برنامه‌ریزان درسی قرار گیرد.

یکی از راههای تحقق این امر طراحی سرفصلهای درسی در سطح تحلیل یک واحد درسی یا کل برنامه درسی یک رشته، با استفاده از رهیافت سلول‌گرایی است. همان‌سان که سلول‌گرایی، شرکت‌های رایانه‌ای را قادر ساخته تا این فناوری پیچیده را اداره کند. طراحان، تولیدکنندگان و کاربران با تبدیل یک محصول به خرده سیستمها یا سلولها و سپس ساخت هر سلول به وسیله یک شرکت، محصول قابل اعتمادی از مجموع تلاشها به دست داده‌اند. سلول‌گرایی، راهبرد کارها با سازماندهی، فراگردهای پیچیده ارائه خدمت و تولید محصول کارآمد است. یک سیستم سلولی، از واحدها یا سلولهایی تشکیل شده که به طور مستقل طراحی شده‌اند، ولی به عنوان یک کل منسجم عمل می‌کنند. آرایش درونی، تعاملها و شاخصها سه قاعده طراحی سیستم سلولی است.

سلول‌گرایی در مصرف، این اجازه را به مشتریان می‌دهد که اجزاء تشکیل دهنده یک محصول را با هم جور و ترکیب کنند تا به یک محصول نهایی که با نیازها و سلیقه‌های آنان سازگار باشد، برسند. قابلیت طراحی این سیستم در دروس مختلف متفاوت است. به طور مثال در درس اندیشه سیاسی در شرق باستان براحتی می‌توان سلولهای چین باستان، ایران باستان، مصر را شناسایی کرد. (رضائیان، ص ۲۴ - ۲۸)

۲. تنظیم و عرضه دروس براساس یک سیر منطقی در طول دوره تحصیلی مقطع کارشناسی  
تنظیم تقدم و تأخر در عرضه دروس در دوره چهارساله در یک توالی منطقی و سیر از ساده به پیچیده و بر اساس پیشنیازها و ملاحظه زمان دقیق ارائه هر درس نیز از معیارهای دیگر یک سرفصل درسی است. متأسفانه این معیار نیز در سرفصلهای درسی رشته علوم سیاسی ملحوظ نشده است. در بسیاری از موارد نوعی پراکنده‌گویی حاکم است. در سرفصلهای بعضی از دروس اجزاء گوناگون و متفاوتی در کنار یکدیگر جمع‌آوری گردیده، بدون آنکه ارتباطی و وثیق بین این اجزاء برقرار شده باشد. مثلاً در عناوین ردیفهای ۶۱ تا ۶۶ دروس علوم سیاسی هیچگونه تجانسی مشاهده نمی‌شود: مسائل سیاسی و اقتصادی و اروپای غربی، ارتش و سیاست؛ جمهوری اسلامی ایران و نهضت‌های آزادیبخش؛ اندیشه‌های سیاسی در شرق باستان، جغرافیای سیاسی. (مشخصات کلی برنامه درسی و سرفصل دروس کارشناسی علوم سیاسی، ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵، ص ۱۲ و ۱۳)

### ۳. مکمل ساز بودن عناوین

هریک از سرفصلهای درسی باید به مثابه قطعه پازلی باشد که با در کنار هم قرار گرفتن این قطعات یک کل و یک تصویر کلی ساخته شود. بنابراین عناوین شصت و هفت گانه دروس علوم سیاسی باید بتواند یک کل به هم پیوسته را تشکیل دهد. متأسفانه با ارائه اجزاء عناوین ۶۷ گانه در کنار یکدیگر امکان قضاوت کلی و مثبتی فراهم نمی آید. در واقع «کلی» که مؤلفان سرفصلهای درسی در صدد ارائه تصویری از آن بوده اند، تعریف نشده است تا بتوان در ارتباط با اجزاء جداگانه آن را مورد بحث قرار داد و امکان نقد و بررسی کلی را فراهم نمود. البته این به معنای زیر سؤال بردن کلی این دروس نیست؛ بلکه بدان معناست که ارتباط مکمل ساز این دروس با یکدیگر نامشخص است. از میان ۶۷ عنوان درس عرضه شده در مقطع کارشناسی صرفاً ۷ عنوان دارای «پیش نیاز» است!! همانگونه درس اندیشه های سیاسی در قرن بیستم دارای پیش نیازی به نام اندیشه سیاسی در غرب (الف و ب) می باشد. آیا خود این شاخص دلیل بر آن نیست که ارتباط چندان مستحکمی میان این اجزاء شصت و هفت گانه وجود ندارد مثلاً می توان دروس «جنبشهای اسلامی معاصر» و «نظریه های انقلاب» را به عنوان دروس پیش نیاز درس «انقلاب اسلامی ایران» طرح کرد، زیرا باید دانشجوی پیشتر با نظریه های انقلاب آشنا شود تا بعد بتواند در درس «انقلاب اسلامی ایران» تطبیق قدرت تبیین آنها را ارزیابی کند. درس «تاریخ اسلام» به عنوان درس عمومی می توان به عنوان پیش نیاز درس «تاریخ تحول دولت در اسلام» در نظر گرفته شود زیرا بسیاری از مطالب آنها با یکدیگر مشترک است.

### ۴. نداشتن تداخل و همپوشی عناوین و سرفصلهای دروس

همان سان که گفته شد از ویژگیهای مطلوب یک سرفصل درسی ارتباط متقابل آن با سرفصلهای دیگر در همان رشته است. از جنبه ایجابی باید مکمل ساز یکدیگر باشند و از جهت سلبی باید جزناً یا کلاً با یکدیگر تداخل و همپوشی نداشته باشند. مرزهای این دروس باید به گونه ای ساماندهی شود که محتوای واحدی با عناوین گوناگون عرضه و در واقع تکرار شود. درس «سیاست خارجی قدرتهای بزرگ» (مشخصات کلی برنامه درسی و سرفصل دروس کارشناسی علوم سیاسی، ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵، ص ۵۶، کد ۳۷) که پیش از انقلاب نیز با عنوان «سیاست خارجی دول بزرگ» در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه ملی تدریس می شد، یکی از این عناوین است. بر اساس سرفصل درس باید سیاست خارجی ایالات متحده امریکا، شوروی، چین و برخی از قدرتهای بزرگ اروپایی، نظیر انگلستان، فرانسه و آلمان بررسی و تأثیر عوامل داخلی مؤثر در سیاست خارجی آنها



بحث شود. بخشهایی از این سرفصل در مسائل نظامی و استراتژی معاصر و درس تاریخ روابط بین‌الملل (مشخصات کلی برنامه درسی و سرفصل دروس کارشناسی علوم سیاسی، ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵، ص ۵۷، کد ۳۸ و ص ۴۰، کد ۲۴)، بویژه در دروس «سیاست و حکومت در اتحاد جماهیر شوروی»، «سیاست و حکومت در ایالات متحده امریکا»، «سیاست و حکومت در چین»، «سیاست و حکومت در اروپای باختری»، «خاورمیانه و سیاست بین‌الملل»، «مسائل سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپای غربی» تکرار می‌شود. در نظر سنجیهای به‌عمل آمده از استادان ارجمند درس الزامی «سیاست خارجی قدرتهای بزرگ» از دروس گسترده و دربر گیرنده مطالب نامحدودی در ابعاد مختلف است، به طوری که کمتر کسی قادر است که همه محورها را در طول ترم تدریس کند و یا آمادگی آن را دارد که با این عنوان کتابی به رشته تحریر درآورد. درس «سیاست و حکومت در ایالات متحده امریکا» در فهرست برنامه درسی با این عنوان اما در شرح درس با عنوان «سیاست و حکومت در امریکای شمالی» ذکر شده است! (مشخصات کلی برنامه درسی و سرفصل دروس کارشناسی علوم سیاسی، ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵، ص ۶۷ و ۶۸، کد ۴۷) شاید دلیل محدود کردن آن همین گستردگی عنوان است.

##### ۵. تناسب تعداد واحدها با محتوای درس

سؤال این است که آیا زمان و وقتی که برای عرضه محتوای درس در نظر گرفته شده مناسب است و یا برعکس برای تعداد واحد در نظر گرفته شده، زیاد است. به طور مثال به چه دلیل درس «نظام سیاسی و دولت در اسلام» در ۳ واحد و درس «تاریخ تحول دولت در اسلام» که تاریخ تحلیلی مقطع ۱۴۲۰ ساله را بررسی می‌کند در ۲ واحد عرضه می‌شود؟ اصولاً چرا از میان ۶۷ عنوان درس رشته علوم سیاسی فقط ۱۱ عنوان ۴ واحدی و ۱۳ عنوان ۳ واحدی است و ۴۳ عنوان دیگر در ۲ واحد عرضه شده‌اند؟ با بررسی مقایسه‌ای در باب کشش این دروس می‌توان ظرفیت هریک از این عناوین و واحد متناسب با آن را در نظر گرفت.

##### ۶. پوشش میان‌رشته‌ای در رشته علوم سیاسی

علوم سیاسی، رشته‌ای میان‌رشته‌ای است. سؤال این است که آیا دروس موجود این نگاه کثیرالوجه را تأمین می‌کند یا خیر؟ در ایران رشته علوم سیاسی از دیرباز با رشته حقوق ارتباط نزدیک داشته است و از این جهت بسیاری از دروس، نظیر مبانی علم حقوق، کلیات حقوق اداری، حقوق

بین‌الملل عمومی (الف، ب) حقوق بین‌الملل اسلامی، حقوق بین‌الملل خصوصی، حقوق اساسی (کلیات) و حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و تا حدودی فن دیپلماسی و آداب کنسولی و سازمانهای بین‌المللی میان رشته علوم سیاسی و حقوق مشترک است. افزودن دروسی نظیر «آیین دادرسی»، به منظور ایجاد اشتغال برای تعدادی از فارغ‌التحصیلان در پستهای مشاوره حقوقی ادارات، می‌تواند در دستور بررسی قرار گیرد.

دروسی نظیر جغرافیای اقتصادی ایران، مبانی علم اقتصاد، نظامهای اقتصادی تطبیقی، مابله عمومی، اقتصاد بین‌الملل و تا حدودی درس مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم و شناخت امپریالیسم عهده‌دار تأمین رابطه علم سیاست و اقتصاد هستند. هرچند لازم است دروسی، نظیر اقتصاد سیاسی ایران و به طور کلی «اقتصاد سیاسی» در کانون بررسی قرار گیرد. همان‌سان که می‌دانید دانشکده اقتصاد و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی دارای گرایش اقتصادی است. صرف‌نظر از این دو رشته، دروس موجود رشته علوم سیاسی حاکی از ارتباط آن با سه رشته جامعه‌شناسی، مدیریت و جغرافیا می‌باشد. دروسی نظیر مبانی جامعه‌شناسی عمومی، جامعه‌شناسی سیاسی و تا حدودی نوسازی و دگرگونی سیاسی، ارتش و سیاست و تئوریهای انقلاب با دستمایه‌ای از نظریه‌های جامعه‌شناختی، پدیده‌های علوم سیاسی را تبیین می‌کنند و در این راستا مفهوم «ساخت سیاسی»، از جایگاه مهمی برخوردار است. در صورتی که در رشته علم سیاست به روشهای تحقیق میدانی و پرسشنامه‌ای و پیمایشی در تحقیقات علوم اجتماعی توجه بیشتری شود، زمینه اشتغال فارغ‌التحصیلان این رشته در موضوعات بی‌شمار اجتماعی-سیاسی بیشتر فراهم می‌شود.<sup>(۱۰)</sup>

دروسی نظیر اداره امور دولتی و حقوق اداری به گرایش مدیریت دولتی نزدیک می‌شوند. با توجه به قرابت بسیار علم سیاست و مدیریت دولتی، در صورتی که دانشجویان این رشته واحدهای بیشتری از دروس مدیریت دولتی را در مجموعه خود داشته باشند، هم به فهم عمیقتری از نظام اداری ایران دست می‌یابند و هم زمینه‌های اشتغال آنان توسعه می‌یابد. دروسی نظیر روشهای تصمیم‌گیری اداری و خط‌مشی‌گذاری دولتی و مدیریت دولتی تطبیقی می‌تواند در کانون بررسی قرار گیرد.

دروسی نظیر جغرافیای سیاسی و جغرافیای اقتصادی ایران و سیر قدرت در دریاها و تا حدودی مسائل نظامی و استراتژیک [سوق الجیشی] معاصر، دستیابی به دیدگاه جغرافیایی در رشته علم سیاست را تأمین می‌کنند. جغرافیای سیاسی ایران و جهان اسلام یا خاورمیانه نیز می‌تواند در دستور کار و بررسی برنامه‌ریزان قرار گیرد، تا دانشجو بتواند از داده‌های غنی و تئوریک رشته جغرافیا و بویژه گرایش جغرافیای سیاسی آن برخوردار گردد.

سرانجام باید از رشته روانشناسی یاد کرد که ارتباط کمتری با رشته علوم سیاسی دارد. هر چند درسی اختیاری با عنوان «روانشناسی اجتماعی» در عناوین در نظر گرفته شده است و در دروسی، نظیر مبانی علم سیاست یا جامعه‌شناسی سیاسی اشاراتی به بُعد فردی رفتار سیاسی می‌شود، با این همه پرداختن بدان بسیار ضروری است. زین سبب دروسی نظیر روانشناسی سیاسی یا رفتارشناسی سیاسی برای مطالعه و بررسی متغیرهای فردی توصیه می‌شود.

با توجه به اینکه اکثر دروسی که ابعاد میان‌رشته‌ای علوم سیاسی را پوشش می‌دهند به بخش دروس اختیاری منتقل شده‌اند، توصیه می‌شود دروس «اقتصاد بین‌الملل»، «اداره امور دولتی» (مدیریت)، «روانشناسی اجتماعی»، «جغرافیای سیاسی» و «نظامهای سیاسی تطبیقی» به عنوان دروس ترجیحی برای پوشش محتوای میان‌رشته‌ای عرضه شود.

#### ۷. نیازهای کاربردی و بومی

یک برنامه‌ریزی مطلوب باید دربرگیرنده این نکته باشد که فارغ‌التحصیل را به چه مهارت‌هایی مجهز می‌کند یا برای پاسخگویی به چه ضرورت‌هایی در جامعه طراحی شده است؟ بنابراین هم نیازهای فردی فارغ‌التحصیلان از جهت بازار کار و فعالیت و هم ضرورت‌های اجتماعی از حیث مسائل و خلأهایی نظیر غلبه بر عقب‌ماندگی و تمدن‌سازی باید در محور برنامه‌ریزی درسی باشد. تا چه میزان محتوای دروس علوم سیاسی بومی و ایرانی است؟ تا چه میزان در آنها به مسائل و موضوعات و ساختارهای ایرانی و اسلامی اشاره شده است؟ تا چه حد آموخته‌های دانشجو می‌تواند وی را در بازار کار و فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی یاور باشد؟ آیا دانشجو را خلاق و دارای قوه تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی تربیت کرده است؟ آیا وی را آماده انجام تحقیقات مستقلی در موضوعات سیاسی، اجتماعی (میدانی) کرده است؟ اگر یا چنین شاخصی به بررسی عناوین درسی موجود بپردازیم، بی‌تردید برخی از عناوین در اولویت قرار نمی‌گیرند و جای خود را به موضوعاتی؛ نظیر «روش تجزیه و تحلیل مسائل روز»، «تمدن‌سازی یا تاریخ تمدن» و «جهانی شدن» می‌دهند.

#### ۸. اختیاری یا الزامی بودن

یکی دیگر از معیارهای نقد و بررسی یک سرفصل درسی جایگاه دروس از حیث اصلی یا فرعی، الزامی یا اختیاری بودن آن است. زین سبب دروسی که حائز اهمیت بیشتری هستند، در فهرست دروس اصلی و اجباری قرار می‌گیرند. با نگاهی به فهرست بیست‌ونه گانه دروس اختیاری مشاهده می‌شود که جای برخی از این عناوین در ردیف دروس اصلی است. مثلاً دروسی تئوریک، نظیر

روانشناسی اجتماعی، نظامهای سیاسی تطبیقی، جغرافیای سیاسی، اقتصاد بین‌الملل و اداره امور دولتی که هر یک عهده‌دار ابعاد میان‌رشته‌ای رشته علم سیاست است، در فهرست دروس اختیاری قرار دارد. از همه شگفت‌آورتر آنکه درس «نظامهای سیاسی مقایسه‌ای» که بعضاً با عناوین «سیاستهای مقایسه‌ای» یا «حکومت‌های مقایسه‌ای» نیز نامیده می‌شود، در آزمون کارشناسی ارشد جزء مواد آزمون است؛ درحالی که در برنامه درسی رشته علم سیاست، جزء دروس اختیاری است.<sup>(۱۱)</sup> هرچند اقدام استادان ارجمند در الحاق درس «سیر قدرت در دریاها» به دروس اختیاری، اقدامی بجای و هوشمندانه است.

#### ۹. تأکید بر بُعد تئوریک به جای بُعد توصیفی

اطلاعات و داده‌ها در هر یک از دروس رشته علم سیاست به مثابه اقیانوسی بی‌انتهاست. یک سرفصل درسی خوب باید از همان آغاز دانشجوی و استاد را به سوی طرح مطالب تئوریک و ماندگار سوق دهد، زیرا دانشجوی داده‌های توصیفی و تاریخی و پراکنده را خود شخصاً با مطالعات جانبی می‌تواند مطالعه کند؛ آنچه مهم است نه عرضه حجم انبوه مواد خام، بلکه ساختارسازی و ارائه چهارچوب‌بندی مواد خام است. (سریع‌القلم، ص ۹) یک سرفصل درسی، بویژه در دروس مطالعات منطقه‌ای؛ نظیر «تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران»، «سیاست و حکومت در آسیای جنوب شرقی» یا امریکای لاتین و جز آن باید دست‌کم در فصل اول و جلسات اولیه به طرح چهارچوب متغیرهایی یا چهارچوب تئوریک بپردازد. چهارچوبهایی که «مواد خام» در سبدهای گوناگون آن قرار می‌گیرد. سرفصلهای درسی موجود رشته علم سیاست با این معیار نیز فاصله زیادی دارد. حساسیت به این جنبه و بُعد روش‌شناختی بویژه در دروس «مطالعات منطقه‌ای» (area studies) بیشتر می‌شود.<sup>(۱۲)</sup>

#### ۱۰. طبقه‌بندی دروس علم سیاست بر اساس معیارها و ضوابط گوناگون

مثلاً سرفصلهای دانشگاه امام صادق (ع) دروس اختیاری را در سه زیرمجموعه گونه‌شناسی کرده است: دروس «سیاست و حکومت در...»، «مسائل منطقه‌ای» و «روابط سیاست خارجی ایران».<sup>(۱۳)</sup> یکی از این خوشه‌ها، مجموعه دروسی است که با دستمایه اسلامی ارائه می‌شوند. سابقه این دروس به اهتمام و عمل استاد حمید عنایت به پیش از انقلاب بازمی‌گردد. وی با بنیانگذاری درس «نهادهای اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران» یا «تاریخ عقاید سیاسی در ایران و اسلام» در دانشگاه تهران و سپس با تألیف اثر کلاسیک خود با عنوان «اندیشه سیاسی در اسلام معاصر» در رشته علوم سیاسی و

اندیشه سیاسی بابی جدید گشود. اینگونه دروس در سایر مراکز از جمله در دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) هیچ سابقه‌ای نداشت. متعاقب وقوع انقلاب اسلامی و بازگشایی دانشگاهها مجموعه دروسی با دستمایه «اندیشه سیاسی در اسلام» در برنامه آموزشی رشته علم سیاست گنجانیده شد. جدید بودن این دروس و مسبوق به سابقه نبودن آن در غرب موجب شده است که مرزهای آن دقیقاً تعریف نشده باقی بماند. کمبود منابع آموزشی نیز بر این معضل افزوده و موجب شده است تا دانشجو در دروس مختلف با عناوین گوناگون، محتوای مشابهی را نظاره‌گر باشد. تداخل و همپوشی از ویژگیهای اساسی این دروس گردیده است. زین سبب بعضاً موجب نگرشی منفی نسبت به این نوع دروس در نزد استادان و دانشجویان می‌باشد. از سوی دیگر حساسیت و نوعی نقدناپذیری جایگاه و حدود و ثغور این دروس و ترس از اتهام اسلام‌زدایی مانع رشد و ارتقای سطح آنها شده است. تا اطلاع ثانوی که کاری بایسته و عمیق در این باب صورت گیرد، باید مرزبندی دقیق قلمرو هر یک از این عناوین مشخص شود. شاید الهام‌گیری از مقولات متعدد رشته روابط بین‌الملل در اینجا راهگشا باشد. همان‌گونه که در «تاریخ روابط بین‌الملل»، گذشته و تاریخ روابط دولتها بررسی و در درس «اصول و مبانی روابط بین‌الملل» اصول و کلیات نظری بحث می‌شود. در «نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل» نظریه‌های علمی رایج برای تبیین پدیده‌های رخ داده یا وضعیت جاری ارائه می‌شود و سرانجام در درس «روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل» وضعیت عینی و فعلی روابط دولتها در صحنه نظام بین‌الملل و واقعیت‌های موجود به بحث گذاشته می‌شود. به همین قیاس با اندکی تساهل می‌توان گفت این چهارچوب قابل تعمیم به دروس سیاسی-اسلامی است. در درس «تاریخ تحول دولت در اسلام» وضعیت تاریخی دولتها و پدیده‌ها در کشورها و امپراتوریها و خرافتهای اسلامی بررسی می‌شود. در واقع در این درس آرمانهای مطلوب محور کلام نیست، بلکه واقعیت و امر واقع در جهان اسلام مدنظر است. بنابراین اگر به تفکیک «اسلام» و «جهان اسلام» و «اسلام یا مسلمین» قائل شویم، در این درس «تاریخ دولت در کشورهای مسلمان‌نشین» و واقعیت‌های رخ داده که لزوماً اسلامی نیست و با معیارها و قوانین و ضوابط اسلامی و آرمانی فاصله دارد، در کانون بررسی قرار می‌گیرد. زین سبب منطقی‌تر آن است که عنوان مذکور به «تاریخ تحول دولت در جهان اسلام» تغییر یابد. درس «جنبشهای اسلامی معاصر» نیز عمدتاً در همین محور ساماندهی می‌شود و جنبشهای اسلامی کشورهای مسلمان‌نشین در یکی دو سده اخیر در کانون بررسی است. هرچند این درس دارای رگه‌هایی از اندیشه سیاسی نیز هست.

از سوی دیگر دانشجو در دروسی مانند «مبانی اندیشه سیاسی در اسلام» (مستند به متون

اسلامی)، «نظام سیاسی و دولت در اسلام» و «اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران» با مبانی و اصول نظری اندیشه در اسلام آشنا می‌شود که در این محور نوعی مشابهت با اصول و نظریه‌های روابط بین‌الملل پیدا می‌کند. البته نظریه به مفهوم کلاسیک آن مدنظر است نه علمی. در اینجا نیز بهتر است متدولوژی اندیشه شناختی و گونه‌شناسی مباحث آن را در کانون توجه قرار داد. زین سبب مثلاً در «مبانی اندیشه سیاسی در اسلام» به مباحث، گرایش مقوله شناختی داد و مقولات را در طرح درس عمده کرد. مثلاً از جایگاه مباحث هستی‌شناختی در اندیشه سیاسی بحث کرد و نحوه استنادات قرآنی و روایی را مورد بررسی قرار داد.<sup>(۱۴)</sup> درحالی که درس «اندیشه سیاسی در اسلام و ایران» باید بر اساس رهیافت «متفکرشناسی» شرح و بسط پیدا کند. تشریح اندیشه متفکران مسلمان نظیر فارابی، غزالی، خواجه نظام‌الملک، ماوردی، ابن تیمیه و نائینی و جز آن سلولهای آن را تشکیل می‌دهد. در دروسی نظیر «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام» دیدگاه جهانی اسلام در باب سیاست بین‌الملل و در واقع نظم مطلوب بین‌الملل از دیدگاه اسلام محور کلام است.<sup>(۱۵)</sup> این نگاه می‌تواند مستند به واقعیت‌های صدر اسلام و دولت نبوی یا دولت خلفای چهارگانه باشد.

روشن است که طرح این نارساییها و ارائه پیشنهادها به معنای نادیده گرفتن زحمات طاقت‌فرسای عزیزانی نیست که در دوران طوفانی انقلاب و جنگ نهایت تلاش خود را مبذول داشته‌اند. آنان سهمی شایسته در حفظ جایگاه و تسجیل هویت علم سیاست و ارتقای آن به عهده داشته‌اند. عدل و انصاف حکم می‌کند که رنج و زحمات آنان را پاس بداریم شاید این قدرشناسی کمترین کاری است که بتوان در شأن آنان انجام داد.

## توضیحات

۱. ر.ک: مصوبه وزارت متبوع در باب تمرکززدایی اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های دارای هیأت میزبه شماره ۱۰۸۹/ و مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۰.
۲. مواد ۱ و ۲ از مصوبات شورای عالی برنامه‌ریزی به نقل از مقدمه برنامه و سر فصل درسی رشته علوم سیاسی، مصوب ۱۳۶۷/۳/۲۱.
۳. این مدرسه که در ابتدا یکی از ادارات مستقل وزارت خارجه بود الگوبرداری و اقتباسی از مدرسه سیاسی در فرانسه در دهه ۷۰ قرن نوزدهم بود. از تقریرات درسی مرحوم دکتر علی‌اکبر در درس «روش‌شناسی در علم سیاست».
۴. برای بررسی بیشتر رجوع شود به: تفرشی، مجید؛ «مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تأسیس دانشگاه تهران»، مجله گنجینه استاد، بهار ۱۳۷۰، دفتر اول، سال اول.
۵. از تقریرات درسی مرحوم دکتر علی‌اکبر در درس «روش‌شناسی در علم سیاست».

۶. رجوع شود به عناوین «مبانی علم سیاست» و «روش تحقیق در علوم سیاسی» در صفحات ۱۵ و ۲۰ برنامه درسی کارشناسی که اولی «علم» و دومی «علوم» سیاسی نامیده شده است و با عناوین «نظریه‌های جدید در علم سیاست» و «روش تحقیق در علوم سیاسی» در صفحات ۱۶ و ۲۰ برنامه درسی در مقطع کارشناسی ارشد که اولی «علم سیاست» و دومی «علوم سیاسی» خوانده شده است.

۷. از تفریبات درسی مرحوم دکتر علی‌اکبر در درس «روش‌شناسی در علم سیاست».

۸. ر.ک.: مقاله دیوید ایستون با عنوان علم سیاست «Political Science» در:

*Encyclopedia of Social Science*; vol. 14, (1963, pp. 297-282)

۹. ر.ک.: مصوبه وزارت متبوع در باب تعدیل واحدهای درسی رشته علوم سیاسی از ۱۳۶ به ۱۳۵ واحد، تابستان ۱۳۷۴.

۱۰. دغدغه اشتغال و ارتباط آن با آموخته‌های آموزشی و سایر مسائل مرتبط از طریق پرسشنامه و یک نظرسنجی دانشجویی در گزارش ذیل دنبال شده است: حاجی‌وند، احمد؛ «کاوشی پیرامون وضعیت رشته علوم سیاسی»، مجله دانشگاه انقلاب، شماره آذر و دی ماه ۱۳۶۹، ص ۳۲-۴۰.

۱۱. دفترچه راهنمای آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۹. به‌طور کلی عنوان «سیاست مقایسه‌ای» یا حکومت و نظامهای مقایسه‌ای یکی از حوزه‌های چهارگانه یا پنج‌گانه رشته علم سیاست است. برای آگاهی از وضعیت رشته علم سیاست و زیرمجموعه‌های آن رجوع شود به:

Ada Finifter, *Political Science: The State of The Dicipline*, Washington D. C.: American Political Science Association, 1994.

۱۲. ر.ک.: سجادهپور، سیدمحمدکاظم؛ «روش‌شناسی و مطالعات منطقه‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۳، بهمن ماه ۱۳۷۳، ص ۲۱۸-۲۳۸.

۱۳. ر.ک.: مشخصات کلی برنامه درسی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد رشته معارف و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، مصوب مورخ ۱۳۶۶/۸/۹ ص ۱۸-۲۰.

۱۴. در برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام این درس در دو عنوان مستقل «مبانی نقلی اندیشه سیاسی در اسلام» و «مبانی عقلی اندیشه سیاسی در اسلام» پیش‌بینی شده است. فراتر از آن در عناوین جالب دیگری نظیر «مبانی شناخت اندیشه‌های سیاسی» و تبیین اندیشه سیاسی» به چستی و سرشت اندیشه سیاسی پرداخته می‌شود. طراحی این محتوا در قالب درس اقدامی فکروانه و قابل تقدیر است. مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام «پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی» مورخ ۱۳۷۸/۵/۳ (گفتگوی نویسنده با دکتر عباس منوچهری در دی ماه ۱۳۸۰).

۱۵. به نظر دکتر دوستمحمدی که سالهاست مدرس این درس است، عنوان درس از «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام» باید به «سیاست جهانی یا بین‌الملل از دیدگاه اسلام» تغییر کند. به نظر نویسنده نیز این تغییر منطقی است، زیرا رفتار سیاسی *political behavior* در دایره علم سیاست قرار می‌گیرد و از قلمرو و اندیشه سیاسی که موضوع بحث است، خارج می‌شود. (گفتگو در آبان ماه ۱۳۸۰).

## منابع و مأخذ

۱. ازغندی، علی‌رضا؛ علم سیاست در ایران؛ تهران: باز، ۱۳۷۸.
۲. تفرشی، مجید؛ «مدرسه عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تأسیس دانشگاه تهران»؛ مجله گنجینه استاد، تهران: بهار ۱۳۷۰، دفتر اول.
۳. حاجی‌وند، احمد؛ «کاوشی پیرامون وضعیت رشته علوم سیاسی»؛ مجله دانشگاه انقلاب، جهاد دانشگاهی، آذر و دی ۱۳۶۹.
۴. دفترچه راهنمای آزمون کارشناسی ارشد، ۱۳۷۹.
۵. راهنمای دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۱۳۵۳-۱۳۵۴.
۶. راهنمای دانشگاه ملی، سال تحصیلی ۱۳۳۹-۱۳۴۰، ۱۳۴۰-۱۳۴۳، ۱۳۵۵-۱۳۵۶.
۷. رضائیان، علی؛ سیستم اطلاعات مدیریت، مدلسازی اطلاعات؛ تهران: سمت، ۱۳۸۰.
۸. سجادی‌پور، سید محمد کاظم، «روش‌شناسی و مطالعات منطقه‌ای»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران: بهمن ۱۳۷۳، ش ۳۳.
۹. فردانش، هاشم؛ «سرفصلها و جایگاه آنها در برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور»، مجله سخن سمت، تهران: تابستان ۱۳۷۸، ش ۵.
۱۰. مشخصات کلی برنامه‌درسی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد رشته معارف و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران: ۱۳۶۶/۸/۹.
۱۱. مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام؛ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۷۶/۵/۳.
۱۲. مشخصات کلی برنامه‌درسی و سرفصل دروس کارشناسی علوم سیاسی، شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۶۷/۳/۲۸ و ۱۳۷۵/۳/۲۸.
۱۳. مصوبه وزارت متبوع در باب تعدیل واحدهای درسی رشته علوم سیاسی، تابستان ۱۳۷۴.
۱۴. مصوبه وزارت متبوع در باب تمرکززدایی اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاههای دارای هیأت ممیزه، شماره ۱۰۸۹، ۱۳۷۹/۲/۱۰.
15. *Encyclopedia of Social Science*; "Political Science", vol 14, 1963.